



فتح الفتوح انقلاب اسلامی

جلسه با کادر و پرسنل معاونت تهذیب و تربیت

مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

۱۳۹۹ / ۸ / ۱۵



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کسانی که با اندیشه‌ی رهبری آشنا بودند و آثار ایشان را مطالعه می‌کردند، پس از انتشار بیانیه‌ی گام دوم، با این سوال مواجه شدند که این پیام حاوی چه نکته‌ی تازه‌ای است؟ چند روز پیش از انتشار این بیانیه اعلام شده بود که رهبری در حال نوشتن مطلب مهمی هستند و عن‌قریب از یک پیام ویژه رونمایی خواهند کرد. این خبر توقع مخاطبان را افزایش داده و این انتظار را پدید آورده بود که در آن بیانیه سخن خاص و بدیعی ارایه خواهد شد.

اما علی‌رغم این انتظار در نظر نخست به نظر می‌رسید که این پیام نکته‌ی تازه‌ای ندارد، کسانی که مستمرا سخنان آن بزرگمرد را پی‌گیری می‌کردند هریک از فقرات و مفاهیم مندرج در آن را در رهنمودهای پیشین ایشان دیده و شنیده بودند؛ با توضیح و تفصیل مستوفی و جزئیات بیشتر. مثلاً رهبر معظم انقلاب بحث تمدن اسلامی را دو دهه پیش مطرح کرده بودند. همان زمان تا اندازه‌ی بر روی آن کار شده بود و براساس آن گفتمانی شکل گرفته بود. بحث سبک زندگی نیز در سال ۹۱ در خراسان شمالی (بجنورد) مطرح شد و براساس آن یک جریان فکری و فرهنگی شکل گرفت. بحث دستاوردهای انقلاب، نهضت تولید علم یا جنبش نرم‌افزاری، عزت ملی، عدالت اجتماعی، استقلال و آزادی، و خلاصه تمام کلیدواژه‌های بیانیه، در آثار گذشته‌ی آقا و سخنرانی‌ها و پیام‌های ایشان مبسوط‌تر و مفصل‌تر و با جزئیات بیشتر و توضیحات وافی

مطرح شده بود.

برخی در پاسخ به این سوال که «چه نکته‌ی ویژه‌ای در این بیانیه هست و منظور اصلی رهبری از این متن چه بوده است» می‌گفتند این بیانیه خلاصه و فشرده‌ی معارف انقلاب است و لطفش در این است که همه‌ی آن مفاهیم بلند را یک جا و جامع، در یک بسته‌بندی جدید و یکپارچه عرضه کرده است. آیا چنین است؟

اگر با این دغدغه و به دنبال پاسخ به این سوال، متن بیانیه را چند نوبت پشت سرهم مطالعه کنیم کشف جدیدی رخ خواهد داد.

سخن اصلی و دال مرکزی این متن که اتفاقاً سخن تازه‌ای است و تمام بیانیه ناظر به آن و برای بسط و تفصیل آن نوشته شده است این است که رهبری معظم، نسل جوان را برای پذیرش بار سنگین مسئولیت‌های انقلاب فرامی‌خواند. به نسلی که انقلاب را پدید آورده، می‌فرماید: «خسته نباشید» و به نسل جوان می‌گوید: «آماده باشید». یعنی نسل اول، در یک دوی امدادی تاریخی، بار مسئولیت انقلاب را به نسل بعد انتقال دهد. ۴۰ سال، عمر مفید یک نسل است و بعد از آن، نسل تازه نفس باید خود را مکلف به امتداد این حرکت ببیند. جالب و تأمل برانگیز اینکه در ۴۰ سالگی انقلاب که جوان برای ورود به صحنه اقدام اجتماعی فراخوانده می‌شود، در این بیانیه، ۴۰ مرتبه، کلمه‌ی "جوان" به کار رفته است.

.....
 ۱. دو امدادی یک مسابقه‌ی تیمی است به این صورت که یکی از افراد تیم همراه با چوبی در دست مسیری را می‌دود. بعد از رسیدن به نقطه‌ی مشخص چوب را به نفر بعد می‌دهد و او نیز همین‌طور به نفر بعدی تا به خط پایان برسند.

این، سخن اصلی و روح محتوای بیانیه است که ساختار محتوا و آرایش موضوعات آن را فاش می‌سازد. به این صورت که راهبرامت، در مقام انتقال این مسئولیت عظیم باید برای جوان تبیین کند که:

۱. حقیقت و ماهیت این انقلاب چه بود و ما چه چیزی را به او تحویل می‌دهیم؟

۲. در طول این مدت تا کدام نقطه آمده‌ایم؟

۳. از این جا به بعد، چه مسیری پیش رو داریم؟

۴. چگونه باید این مسیر را پیمود؟

ابتدای بیانیه که ماهیت انقلاب اسلامی گفته شده است پاسخ سوال اول را بیان می‌کند.

سوال دوم (تا کجا آمده‌ایم؟) در بخش دستاوردهای انقلاب ذکر شده است.

«کجا باید برویم؟» همان بحث تمدن اسلامی است.

و «چگونه باید برویم؟» همان محورهای هفت‌گانه که در انتهای پیام ارزیه

شده است.

و بدین ترتیب یک بسته‌ی هوشمندانه، ناظر به آن هدف محوری طرح شده است.

اشتباه کمابیش رایجی که در فهم مفاد این بیانیه صورت می‌گیرد این است که

چون این متن از مفاهیم درخشان، ارزشمند و کلیدی مشحون است روح کلی و

مقصود اصلی آن مورد توجه واقع نمی‌شود و در معرض جزیی نگری قرار می‌گیرد.

اگرچه این رشته انسجام توجه نکنیم و فهم ما از این متن، در حد مجموعه‌ای

پراکنده از مفاهیم بنیادین انقلاب باشد، مقصود رهبری را متوجه نشده‌ایم، و

آنچه انجام می‌دهیم بیشتر در اندازه‌ی خدماتی جزیی است؛ اما اگر مقصود

اصلی و دالّ مرکزی بیانیه را تشخیص داده باشیم، همه‌ی این مفاهیم جزیی را

ذیل آن روح حاکم، خوشه و زنجیره می‌کنیم.

اقدامات برخی نهادها درباره گام دوم انقلاب با همین خطا مواجه است. مثلاً همایشی با عنوان «گام دوم و تمدن اسلامی» برگزار شده است. این همایش باید دو دهه‌ی پیش یعنی زمانی که موضوع تمدن اسلامی محور بیانات رهبری بود برگزار می‌شد. و البته همان زمان، کارهایی از این قبیل صورت گرفت: همایش‌هایی در موضوع تمدن اسلامی برگزار شد، مقالات و کتاب‌های زیادی نوشته شد، مراکز آموزشی، گروه‌های پژوهشی، رشته و کتاب درسی و کارهای ترویجی فراوانی انجام شد و آثار متعددی به بار نشست. بی‌شک آن تلاش‌ها کافی نیست و باید ادامه یابد، اما اینکه به نام بیانیه‌ی گام دوم، همایش تمدن اسلامی برگزار کنیم، ناشی از بی‌توجهی به روح محتوای بیانیه است. پیام اصلی این بیانیه نه اخلاق و معنویت است. نه سبک زندگی، نه عدالت اجتماعی، نه عزت ملی، نه نهضت نرم‌افزاری ...

این مواجهه به تحریف معنوی بیانیه منتهی می‌شود و هدف اصلی آن را به محاق می‌برد. اگر مدلول اصلی یک متن را پنهان کنیم و مدام به شاخ و برگ‌ها و مقدمات و مؤخرات و اجزای آن پردازیم آن را تحریف کرده‌ایم.

بنابراین اگر بخواهیم به نام بیانیه و ذیل آن همایشی برگزار کنیم یا در راستای ترویج آن کاری انجام دهیم، باید موضوع آن انتقال مسئولیت اجتماعی به نسل جوان باشد. باید بر روی این موضوع بیندیشیم و گفتگو کنیم و برای آن سازوکار پدید آوریم و به این سوالات پاسخ دهیم:

- به چه صورت نسل جوان را آماده کنیم تا بار مسئولیت اجتماعی را به

دوش بکشد؟

- آیا جوان امروز برای این امر آماده است؟
 - آیا جوان درک درستی از این تکلیف تاریخی دارد؟
 - آیا دانش و توان و مهارت آن را دارد؟
 - چه کنیم که هم درک آن را پیدا کند و هم توانش را بیابد؟
- باید برای این مسئله‌ها بیندیشیم، ده‌ها مقاله و کتاب پدید آوریم. متن درسی، مراکز فکری پژوهشی و گروه‌های آموزشی و ترویجی شکل دهیم و گفتمان‌سازی کنیم. همان کارهایی که بر موضوعات پیشین مد نظر رهبری مانند تمدن، سبک زندگی، تولید علم، و تهاجم فرهنگی انجام داده‌ایم. زیرا این موضوع، فعلاً در مرحله‌ی صفر قرار داد ولی موضوعات دیگر هر یک مقداری پیش رفته‌اند. واقع آن است که برای ما به خوبی روشن نیست که نسل جوان را به چه صورت وارد میدان کنیم و این چوب مسئولیت را به او تحویل دهیم تا خیالمان راحت باشد که او هم می‌دود و هم می‌داند که باید به کدام جهت ببرد و هم سرعت، شتاب و طراوت لازم برای حرکت را دارد.
- اگر توجه نداشته باشیم این آسیب وجود دارد که هر کس یا هر نهاد و سازمانی همان فعالیت‌های قبلی خود را با استناد به یکی از مفاهیم موجود در پیام انجام دهد و برای خود توجیه پیدا کند. این بیانیه سرشار از مفاهیم، و بسیار پر مؤلفه است و هر کار خوبی را می‌توان به فقره یا بندی از آن مستند ساخت و ادعای قداست یا انقلابی‌گری داشت.
- با این توضیح معلوم می‌شود که مسئله‌ی اصلی در این بیانیه، اخلاق و

معنویت نیست. مساله اصلی ورود نسل جوان به عرصه نیازهای انقلاب و مسئولیت‌های بزرگ اجتماعی است. البته برای این منظور باید ظرفیت‌های اخلاقی و آمادگی‌های معنوی او را افزایش داد. اخلاق و معنویت که نسل جوان را آماده می‌کند تا بار انقلاب را به دوش کشد همان اخلاق انقلابی، تربیت حماسی و معنویت اسلام ناب محمدی است که جهان را تحت تاثیر قرار می‌دهد و جبهه کفر را تضعیف می‌کند و طواغیت جهان را به ستوه می‌آورد. همان غیرت توحیدی متعالی است که کفر و ظلم را در هیچ نقطه‌ای از جهان تحمل نمی‌کند، همان روح مبارزه و خروش است که خداوندان زر و زور و تزویر را به زیر می‌کشد و در مقابل سلطه کفار گرفتار تسلیم و اودادگی نمی‌شود.

الگوی این خودسازی معنوی و اجتماعی، شهدای صدر اسلام، شهدای کربلا، شهدای دفاع مقدس، شهدای مدافع حرم و شهدای مقاومت هستند. و پیش از همه‌ی آنها پیامبران و پیشوایان معصوم که تا آخرین نفس مقابل قدرت‌های ظالم و غاصب مبارزه کردند و همگی به شرف شهادت نایل آمدند.

رهبانیت اسلامی فاصله گرفتن از جامعه و در کنج عافیت ذکرگفتن یا در گوشه محراب سر بر سجده نهادن و عبادت کردن نیست. رهبانیت اسلامی جهاد است. ۱. جهادی در وسط میدان جامعه که عابدان شب و شیرمردان

۱. توجه داریم که رهبانیت اسلامی با رهبانیت سایر ادیان الهی تفاوتی ندارد و روش پیامبران در این جهت متفاوت نیست. رهبانیت عزلت‌نشین مسیحی نیز ساخته و پرداخته کشیشان مسیحی است نه رهنمود آسمانی عیسی روح الله: وَرَهْبَانِيَّةُ ابْنَدَ غُوها ما كَتَبْنَاها عَلَیْهِمْ. عیسی مریم نیز برای انجام رسالت پرشورا اجتماعی خود مردم را به یاری دین خدا در متن عینیت جامعه فراخواند: فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَى مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ أَشْهَدُ بِأَنَّ مُسْلِمُونَ (آل عمران: ۵۲) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَأَمَّتْ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ كَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ (صف: ۱۴).

روز برای پاکسازی ارض از لوث وجود فاسدان و ظالمان و برای تحقق اراده‌ی پروردگار برعهده می‌گیرند. و مگر اوج اخلاق و انتهای معنویت، فانی شدن اراده بنده در اراده پروردگار نیست. و مگر اراده پروردگار به چیزی غیر از این تعلق گرفته که پرچم توحید در سراسر جهان به اهتزاز درآید و مدیریت زمین یک پارچه در اختیار صالحان قرار گیرد:

- وَرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ.
- اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ
- وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ
- هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

ارسال پیامبران، انزال کتاب‌های آسمانی و فرستادن هدایت، همه برای این بوده که دین حق و مکتب اهل بیت بر همه‌ی مکاتب و ادیان جهان غالب شود و سرانجام جهان به دست متقین رقم خورد.

به یقین، این آیات حاکی از اراده تکوینی خدا نیست. اعلام اراده تشریحی پروردگار است که باید توسط مومنان محقق شود و البته محقق خواهد شد. خبر نیست. انشاء فرمان و دستور تاسیس سبک زندگی اسلامی و الهی است که دانش اخلاق اسلامی باید مختصات آن را بیابد و عرضه کند.

پیامبر اکرم اصحاب خود را بر مدار این اخلاق و با این اندیشه پرورده بود، یاران امام حسین چنین بودند و جوان دست‌پرورده‌ی مکتب امام راحل نیز که در ۲۵ سالگی فرماندهی لشکر را بر عهده می‌گرفت همین گونه بار آمده بود. حضرت امام از این جوانان با تعبیر فتح الفتوح انقلاب اسلامی یاد می‌کردند

و آنان را بزرگترین دستاورد و بالاترین افتخار مکتب تشیع می‌دانستند. رهبر انقلاب نیز با همین جوان‌ها، مسیر مبارزه بعد از پذیرش قطعنامه را پیش بردند و صنایع دفاعی، هسته‌ای، ارتباطی، اطلاعاتی، موشکی، نانو و سایر صنایع را در نبرد علمی پدید آوردند. اخیراً نیز به تشکیل دولت جوان انقلابی در همین راستا تأکید فرموده‌اند.

آیا دستگاه کهن اخلاق و معنویت ما، چنین آورده و محصولی دارد؟ آیا نمونه‌های برجسته و شاگرد اول‌های نظامات معروف اخلاقی و معنوی همین ویژگی‌ها را کسب کرده‌اند؟ آیا سیر و سلوک معنوی در حلقات تربیتی، عمار و ابوذر و مالک و حبیب و صیاد و چمران و مطهری و بهشتی و سلیمانی تحویل می‌دهد؟ آیا سلوک ذیل شخصیت امام خمینی با سیر و سلوک معنوی پیش از عصر اقامه دین متفاوت نیست؟ آیا حلقه ذکر و مناجات و عبادت عارفان، توان پرورش شیران شب‌شکن و موحدان مجاهد تمدن‌ساز را دارد؟ آیا دانش اخلاق و معنویت اسلامی خود را برای ارایه الگوی تربیت معنوی انقلابی آماده کرده است؟